



## رده‌شناسی نفی در زبان فارسی: انگاره نقشه معنایی

والی رضایی<sup>۱</sup>

مهناز آزادمنش<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف این مقاله بررسی رده‌شناسی نفی در زبان فارسی و ارائه یک تبیین شناختی در مورد آن است. در این راستا فضای مفهومی پیشنهادی باند (۲۰۰۹) مبنای پژوهش قرار گرفته و برش معنایی زبان فارسی در این فضای مفهومی مشخص شده است. فضای مفهومی امکاناتی جهانی و عام است و هر زبان برشی از آن به دست می‌دهد که نقشه معنایی آن زبان خاص را می‌رساند. برش معنایی زبان فارسی نمایانگر تفاوت صوری این زبان با دیگر زبان‌ها است. در این پژوهش پس از اشاره به انواع راهبردهای صوری بیان مقوله نفی و معرفی نقش‌های جهانی مقوله نفی، نقشه معنایی زبان فارسی را در فضای مفهومی مشخص کنیم. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده در این تحقیق زبان فارسی سه راهبرد برای بیان مقوله نفی دارد که شامل نفی ساختواژی «نَ/نِ»، کلمات گزاره‌ای نه/خیر و ساختار هم‌پایه نفی هستند؛ این سه راهبرد کل فضای مفهومی را پوشش می‌دهند. به‌علاوه هر نقش می‌تواند با صورت‌های مختلف به کار رود و در نقشه معنایی پیشنهادی فرضیه اتصال نقشه معنایی برقرار است.

**کلیدواژه‌ها:** رده‌شناسی، فضای مفهومی، نقشه معنایی، نفی معیار.

۱- vali.rezai@fgn.ui.ac.ir

۲- mahnaz.azadmanesh@gmail.com

۱- دانشیار دانشگاه اصفهان

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان

## مقدمه

مطالعه و مقایسه ساختارهای صرفی و نحوی در زبان‌های متفاوت با هدف یافتن جهانی‌های زبان از ابتدا موردعلاقه بسیاری از زبان‌شناسان بوده است و امروزه شاخه‌ای از زبان‌شناسی را با عنوان رده‌شناسی به خود اختصاص داده است. تحقیقات رده‌شناسی زبان در مقایسه با سایر زیرشاخه‌های زبان‌شناسی از جمله نحو، معناشناسی و ساخت‌واژه دانشی جدید به حساب می‌آید. برخلاف مطالعات قرن نوزدهم، رده‌شناسی به دنبال رده‌بندی زبان‌ها بر پایه مطالعات بین‌زبانی و متغیرهای زبان‌های خاص است. اما رده‌شناسی تنها ابزاری در جهت تقسیم‌بندی زبان‌ها و همچنین تعیین الگوهای کلی در زبان‌ها نیست، بلکه خود روشی در شناخت ماهیت زبان به شمار می‌رود. هدف مطالعات رده‌شناسی در آغاز بیشتر کشف جهانی‌ها بود و کمتر به دستور زبان‌های خاص توجه داشت. از این نظر رده‌شناسی در مقابل دستور زایشی قرار دارد که به توانش زبانی سخنگویان و دانش فردی آنها توجه می‌کند، زیرا هدف دستور زایشی دست‌یابی به این دانش ناخودآگاه است. اخیراً رده‌شناسان نیز با معرفی مفاهیم فضای مفهومی و نقشه‌معنایی یک بازنمایی هم از جهانی‌های زبان و هم از دستور زبان خاص به وجود آورده‌اند (کرافت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۱۳۳).

فضای مفهومی امکاناتی کلی است و هر زبان بررسی از آن به دست می‌دهد که نقشه‌معنایی آن زبان خاص را می‌سازد. کرافت (۲۰۰۳: ۱۳۹) فضای مفهومی را یک ساختار جهانی برای دانش مفهومی می‌داند که در ارتباط انسان‌ها لازم است. این فضای مفهومی یک میراث شناختی است که جغرافیای مغز انسان را تشکیل می‌دهد. در این دیدگاه مقولات زبان‌ها از زبانی به زبان دیگر متفاوت است، ولی این تفاوت‌ها در محدوده خاصی از فضای مفهومی قرار می‌گیرد. یکی از مقولاتی که مورد توجه رده‌شناسان و زبان‌شناسان قرار گرفته است مقوله نفی در زبان‌ها می‌باشد و مطالعات زیادی در این خصوص به خود اختصاص داده است که از آن جمله می‌توان به پین<sup>۲</sup> (۱۹۸۵)، زنوتینی<sup>۳</sup> (۱۹۹۶)، میستامو<sup>۴</sup> (۲۰۰۷، ۲۰۰۵، ۲۰۰۳)، باند<sup>۵</sup> (۲۰۰۹)، کروگی<sup>۶</sup> (۲۰۱۲) و ... اشاره کرد.

تحقیق در مورد مقوله نفی پدیده جدیدی نیست. این مقوله از گذشته مورد توجه زبان‌شناسان بوده است و از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. اما ماهیت مقوله نفی به نحوی است که هنوز هم مطالعات علمی در مورد آن ادامه دارد. مقاله حاضر به مقوله نفی از دیدگاه جدیدی می‌پردازد و برآنست که برش معنایی مقوله نفی را در فضای مفهومی معرفی‌شده توسط باند (۲۰۰۹) مشخص کند. در این راستا انواع رده‌های موجود نفی در زبان فارسی که توسط آقایی (۱۹۹۳) مشخص شده در فضای مفهومی مقوله نفی

- 
1. Croft
  2. Payne
  3. Zanuttini
  4. Miestamo
  5. Bond
  6. Crowgey

بحث می‌شود. به منظور نیل به این هدف پس از ارائه پیشینه اجمالی به معرفی فضای مفهومی موردنظر می‌پردازیم و با توجه به رده‌های نفی در زبان فارسی برش معنایی این زبان را مشخص می‌کنیم.

### پیشینه تحقیق

مطالعات رده‌شناسی زبان فارسی در مقایسه با دیگر زبان‌ها بسیار اندک است. در این قسمت ابتدا پیشینه نفی در زبان فارسی به لحاظ سنتی و زبان‌شناسان ایرانی بحث خواهد شد و سپس مطالعات رده‌شناسی جهانی در رابطه با مقوله نفی به صورت اجمالی معرفی می‌شوند.

### دستورنویسان سنتی

تمام مطالعات دستوری سنتی زبان فارسی پیشوند «نَ نِ» را سازه نفی در افعال زبان فارسی و پیشوند «مَ» را سازه نفی در افعال امری دانسته‌اند. قریب و دیگران (۱۳۳۰: ۹۶) در دستور پنج استاد با نادیده انگاشتن تمایز جنبه همزمانی و در زمانی مقوله نفی کاربرد «نَ» به جای «مَ» در افعال امری را غیردستوری دانسته‌اند. باطنی (۱۳۴۸: ۱۲۲) عنصر سازنده نفی را طبقه‌ای در گروه فعلی می‌داند که دارای یک عضو است که دو گونه دارد: نَ و نِ. فرق «نَ و نِ» مربوط به محیط‌های صوتی مختلف است که در توزیع تکمیلی هستند. «نِ» در جلوی «می» ظاهر می‌شود و «نَ» در موارد دیگر. بین نهی و نفی از نظر عنصر سازنده فرقی نیست و هر دو توسط یک عنصر منفی می‌شوند، فقط اختلاف آنها در وجه فعل است. چنانچه عنصر سازنده نفی با وجه امری به کار رود نهی خوانده می‌شود و چنانچه با وجه اخباری به کار رود نفی نامیده می‌شود. عنصر سازنده منفی در گروه فعلی در جلوی فعل ناقص قرار می‌گیرد و چنانچه فعل ناقص در گروه فعلی نباشد جلوی عنصر سازنده مجهول می‌آید و اگر هیچ‌کدام از این دو عنصر موجود نباشند جلوی فعل قرار می‌گیرد. وزین‌پور (۱۳۵۶: ۹۷-۹۸) ساختار نهی را بحث کرده و معتقد است که نفی با افزودن پیشوند «مَ» به آغاز فعل ساخته می‌شود، ولی ساختار نهی جدید زبان فارسی مانند دیگر افعال با افزودن پیشوند «نَ» به فعل ساخته می‌شود. شریعت (۱۳۶۷: ۱۳۶-۱۳۸) با اتکا به اشعار قرون گذشته نکاتی را در مورد جایگاه پیشوند نفی مطرح کرده است. وی بر این باور است هنگامی که پیشوند تأکید «بِ» با پیشوند نفی «نَ» همراه می‌شود «بِ» قبل از «نَ» می‌آید:

(۱) خنک آن قمار بازی که به بخت هر چه بودست / بنماند هیچش الی هوس قمار دیگر  
به‌علاوه اگر فعل با الف مفتوح یا مضموم شروع شود با افزودن «نَ» به «ی» تبدیل می‌شود، مانند نیفتاد، نینداخت؛ اما اگر فعل با الف مسکور شروع شود تغییری نمی‌کند، مانند نایستاد.  
خیام‌پور (۱۳۴۷: ۸۲) بین نون ربط و نون نفی تمایز گذاشته است و معتقد است که نون نفی به صورت پیشوند بر فعل ظاهر می‌شود ولی نون ربط جدا از فعل می‌آید:

(۲) قرار بر کف آزادگان نگیرد مال / نه صبر در دل عاشق نه آب بر غربال  
وی همچنین از تقدم بای زینت بر نون نفی سخن گفته است: بنهراسد.

### زبان‌شناسان ایرانی

شقاقی (۱۳۸۱) با تمایز بین نفی نحوی و نفی صرفی به بررسی نفی سازه‌ای پرداخته است. در نفی سازه‌ای برخلاف نفی جمله‌ای سازه‌ای از جمله نفی می‌شود و نه خود جمله. در مقاله حاضر نفی سازه‌ای مدنظر نیست و تنها نفی جمله‌ای که از زمان پایینی (۱۹۸۵) به نفی معیار<sup>۱</sup> مشهور است بررسی می‌شود. منظور از نفی معیار منفی کردن جملات پایه است. نکته جالب دیگری که شقاقی (۱۳۸۱: ۸۹) به نقل از دستوریان پیش به آن اشاره کرده این است که ساخت مستمر صورت منفی ندارد:

(۳) \*او ندارد می‌رود / \*او دارد نمی‌رود.

(۴) \*او داشت نمی‌رفت / \*او نداشت می‌رفت.

البته ساخت‌های دیگری نیز وجود دارند که جفت نفی ندارند:

(۵) گرفت خوابید / \*نگرفت خوابید.

(۶) دوید اومد پیشم / \*ندوید اومد پیشم.

در اینجا تمایز بین ماضی استمراری و ماضی مستمر مشخص می‌شود. ماضی استمراری در زبان فارسی با افزودن پیشوند «می» به فعل ساخته می‌شود و صورت منفی آن نیز به کار می‌رود. اما ساخت مستمر که نشان‌دهنده‌ی نمود استمراری نیز هست با افزودن ستاک ماضی و مضارع «داشتن» و وجه استمراری ساخته می‌شود، بر در جریان بودن فعل در برهه‌ای از زمان تأکید دارد. علت محدودیت نفی این جملات را می‌توان در معنای نمود استمراری دانست، زیرا تأکید بر استمرار عملی که رخ نداده به نظر ضرورتی ندارد. باین‌حال فارسی‌زبانان وجه استمراری را منفی می‌کنند تا رخ ندادن عملی را نشان دهند:

(۷) او به مهمانی نمی‌رود.

شقاقی (۱۳۸۱: ۹۰) همچنین به نقل از لاینز<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) اظهار داشته است که کلمات متضاد قطبی یا درجه‌پذیر را می‌توان در ساخت هم‌پایه منفی به کار برد:

(۸) او نه راضی است نه ناراضی.

آقایی (۱۹۹۳: ۲۲) بر تمام مطالعات سنتی این ایراد را می‌گیرد که بعد همزمانی و در زمانی را نادیده گرفته‌اند و بر داده‌های مأخوذ از پیکره‌های قدیمی اکتفا کرده‌اند؛ به عبارتی در فارسی امروزی «مَ» به عنوان پیشوند نهی کاربردی ندارد، ولی در کتب دستور سنتی از این واقعیت چشم‌پوشی شده است. در این پایان‌نامه انواع رده‌های معرفی شده توسط پایینی (۱۹۸۵) را در زبان فارسی معرفی شده است. آقایی (۱۹۹۳) به این نتیجه رسیده است که در زبان فارسی پهلوی ادات نفی [ne] یا [ney] در تمام زمان‌ها بدون تصریف به فعل افزوده می‌شده و جمله را منفی می‌کرده است، اما در تحول زبان فارسی این سازه بخشی از ساختواژه فعلی شده است. امروزه زبان فارسی در رده نفی ساختواژی قرار می‌گیرد. وی صورت‌های نفی معیار در زبان فارسی را «نَوَ و نِو نه» دانسته است.

1. Standard negation

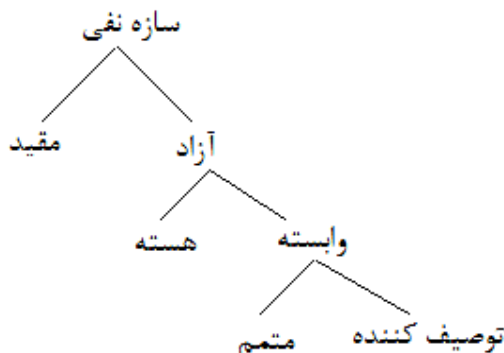
2. Lyons

ماهوتیان (۱۹۹۷: ۸۷-۹۰) بخشی از کتاب خود را به نفی در زبان فارسی اختصاص داده است. وی نفی را به اقسام نفی جمله‌ای، نفی سازه‌ای، نفی مضاعف، نفی در جملات هم‌پایه و نفی در بند متمم صورت‌بندی کرده است. نفی جمله‌ای حاصل افزودن پیشوند «نَ و نِ» به ستاک فعل‌های ساده و ستاک بخش فعلی فعل‌های مرکب است و نفی مضاعف کاربرد «هیچ/ هیچ‌کی/ هیچ‌جا/ هیچ‌وقت و هرگز» در جملات با فعل منفی است.

### زبان‌شناسان غیر ایرانی

وقتی به یک زبان خاص چون فارسی نگاه می‌کنیم چنین به نظر می‌رسد که مقوله نفی با افزودن سازه نفی به جفت مثبت آن ساخته می‌شود، حتی در منطق گزاره‌ای نیز نفی عملکردی است که شرایط صدق را برعکس می‌کند، یعنی وقتی  $p$  صادق است  $\neg p$  صادق نیست. ولی وقتی به نفی از دیدگاه بین‌زبانی نگاه کنیم می‌بینیم که نفی فقط افزودن سازه نفی به جمله مثبت نیست و گاهی پیچیده است. دهل<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) با بررسی ۲۴۰ زبان تمایزی بین نفی ساختوازی و نفی نحوی گذاشت. نفی ساختوازی خود به زیر رده‌های پیشوندی، پیروندی، نوایی و مضاعف تقسیم می‌شود که دو نوع آخر کمیاب‌تر هستند. نفی نحوی نیز خود به رده‌های ریزتری شامل ادات نفی بدون تصریف<sup>۲</sup>، فعل کمکی و یا فعل کمکی زائد<sup>۳</sup> تقسیم می‌شود. دهل (۱۹۷۹) نوع دیگری از نفی را تغییر ترتیب معمول کلمات دانسته است، ولی میسماتو (۲۰۰۷: ۵۵۴) در پذیرش رده آخر شک دارد زیرا وی نمونه مورد مطالعه دهل را از لحاظ خویشاوندی و جغرافیایی نامناسب می‌داند.

کروگی (۲۰۱۲) مدل رده‌شناختی دیگری برای مقوله نفی ارائه داد که خود آن را منطبق بر رده‌های دهل (۱۹۷۹) می‌داند. رده‌های کروگی در شکل زیر نمایش داده شده‌اند:



شکل ۱: رده‌های پیشنهادی کروگی برای مقوله نفی (اقتباس از کروگی ۲۰۱۲)

1. Dahl
2. Uninflected particle
3. Dummy auxiliary

کروگی (۲۰۱۲) بر این باور است که در زبان‌های دنیا سازه نفی یا آزاد است و یا مقید. نوع مقید معادل همان نفی ساختوازی است و سازه نفی آزاد یا هسته است و یا وابسته. نوع هسته معادل فعل کمکی منفی و نوع وابسته معادل سازه نفی بدون تصریف است. سپس کروگی (۲۰۱۲) ده رده برای نفی دوگانه<sup>۱</sup> ارائه داده است. بر طبق این رده‌ها دو قسمت سازه نفی می‌توانند وضعیت‌های مختلفی داشته باشند، به‌عنوان مثال می‌توانند آزاد، مقید، هسته، وابسته، متمم و یا توصیف‌کننده باشند.

پین (۱۹۸۵) در مطالعات مقوله نفی در زبان‌های دنیا چهار رده را معرفی می‌کند: (۱) نفی ساختوازی یعنی تکواژ نفی بخشی از صرف اشتقاقی فعل را تشکیل می‌دهد و معنای جمله را منفی می‌کند مانند «ن» در زبان فارسی، (۲) ادات نفی یعنی یک سازه بدون هیچ تغییری در هم‌ی زمان‌ها و اشخاص به‌کار می‌رود و جمله را منفی می‌کند مانند pas در زبان فرانسه، (۳) افعال منفی که بسیاری از ویژگی‌های فعل واژگانی را دارند، مانند همراه شدن با متمم فعلی و خود به دو زیربخش فعل برتر<sup>۲</sup> و فعل کمکی تقسیم می‌شوند مانند افعال زائد در زبان انگلیسی، (۴) نفی اسمی: این رده کمیاب‌تر از دیگر رده‌ها است ولی منصوری (۱۳۹۰) در زبان فارسی اسامی نفی مانند «عدم» را از این موارد برمی‌شمارد. پاینی (۱۹۸۵) همچنین به تغییرات ثانویه که در حاشیه بحث منفی مطرح است اشاره کرده است. این تغییرات شامل تغییر ترتیب کلمات، تغییر نوایی، خنثی‌شدگی زمان، کاربرد افعال کمکی و تغییر در حالت اسم می‌شود.

میسماطو (۲۰۰۳) بر اساس مطالعه یک نمونه ۲۹۷ زبانی دو رده از ساختار نفی معیار در زبان‌های دنیا را پیشنهاد می‌کند: نفی متقارن و نفی نامتقارن. در نفی متقارن تنها تفاوت ساختاری ساخت مثبت و منفی حضور سازه نفی است، ولی در نفی نامتقارن تفاوت‌های ساختی دیگری نیز یافت می‌شود. به عبارتی در نفی متقارن بین ساخت مثبت و منفی تناظری یک به یک وجود دارد، ولی در نفی نامتقارن چنین تناظری وجود ندارد. میسماطو (۲۰۰۶) با تعریف معیارهای پیچیدگی در نظریه زبانی نشان می‌دهد که رده نفی نامتقارن پیچیدگی بیشتری از رده نفی متقارن دارد و در برخی زبان‌ها هر دو رده همراه هم وجود دارند.

زنوتینی (۱۹۹۶) بر رابطه نحوی بین مقوله زمان و نفی تأکید می‌کند و بر مبنای این رابطه بین دو نوع از جملات امری تمایز می‌گذارد. وی معتقد بود صورت‌های امری از بافت‌هایی هستند که در برخی زبان‌ها زمان ندارند و بر این مبنای دو نوع امری حقیقی<sup>۳</sup> و امری جانشینی<sup>۴</sup> را متمایز کرد. صورت امری حقیقی با تصریفی بیان می‌شود که متفاوت از دیگر صورت‌های صرفی فعلی است، اما در برخی زبان‌ها تصریف امری جداگانه نیست و مشابه دیگر افعال می‌باشد که این نوع امری جانشینی نامیده می‌شود. با این فرضیات زنوتینی (۱۹۹۶) بین دو نوع نفی تمایز گذاشته است: نفی هسته‌ای و نفی قیدی. نفی هسته‌ای در زبان‌های با صورت امری جانشینی دیده می‌شود که نیاز به عنصر زمان دارند و نفی قیدی در امری حقیقی دیده می‌شود که نیاز

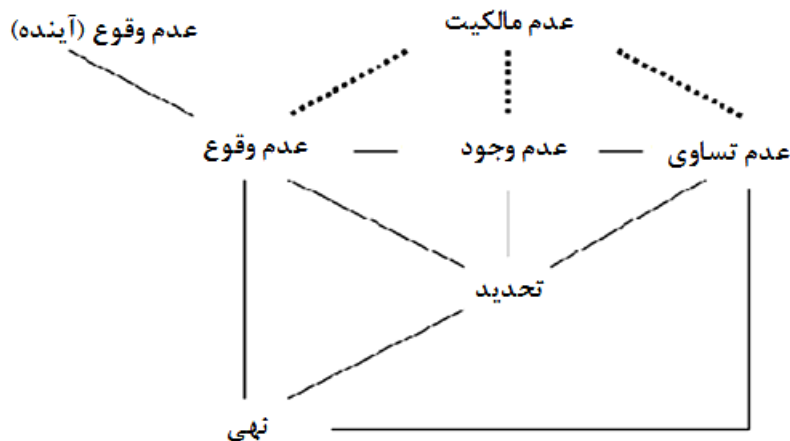
1. Bipartite negation
2. Higher negative verb
3. True Imperative
4. Surrogate Imperative

به عنصر زمان ندارد. هگمن و زنوتینی<sup>۱</sup> نیز بین دو نوع زبان تمایز گذاشتند. آنها معتقد بودند برخی زبان‌ها مانند فرانسه نفی دوگانه دارند، بدین معنا که دو سازه همراه هم جمله را منفی می‌کنند، اما در برخی زبان‌های دیگر چون هلندی تنها یک سازه جمله را منفی می‌کند. بعلاوه آنها اظهار داشتند که در زبان‌های رومانیایی دو یا چند سازه نفی در یک بند جمله نفی معیار را بیان می‌کنند و در زبان‌های ژرمانی هر سازه نفی نیروی خود را دارد و می‌توانند نیروی هم را خنثی کنند.

باند (۲۰۰۹) با پیروی از روش هاسپلمث<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) یک فضای مفهومی را برای مقوله نفی ارائه داده است. این فضای مفهومی در تحقیق حاضر مبنا قرار داده شده است تا نقشه معنایی زبان فارسی مشخص شود. در بخش روش تحقیق این فضای مفهومی به تفصیل شرح داده خواهد شد.

### چارچوب نظری

هدف این مقاله مشخص کردن نقشه معنایی نفی معیار در زبان فارسی است. به منظور نیل به این هدف با به کارگیری انواع رده‌های معرفی شده توسط آقای (۱۹۹۳)، معرفی نقش‌های نفی جهانی، فضای مفهومی باند (۲۰۰۹) و ارائه مثال‌های زبان فارسی نقشه معنایی را در فضای مفهومی مشخص می‌کنیم. داده‌های این پژوهش از منابع مکتوب و متون زبان گفتاری فارسی جمع‌آوری شده است. باند (۲۰۰۹) بر این باور است که تحقیقات قبل زبان‌ها را به لحاظ صورت در رده‌های مختلف قرار داده‌اند. او نقش‌هایی که این صورت‌ها بیان می‌کردند را بررسی کرد و مدل فضای مفهومی زیر را ارائه داد:



شکل ۲: فضای مفهومی مقوله نفی

1. Hageman & Zanuttini  
2. Haspelmath

در واقع باند (۲۰۰۹) معتقد بود که مقوله نفی در زبان‌های دنیا ۷ نقش کلی را به شرح زیر بیان می‌کند:

تحدید<sup>۱</sup>: پاسخ منفی به یک پرسش قطبی.  
 نهی<sup>۲</sup>: بازداشتن شخصی از انجام کاری.  
 عدم تساوی<sup>۳</sup>: نبود رابطه تساوی بین دو پدیده.  
 عدم وجود<sup>۴</sup>: نبود یک پدیده در واقعیت.  
 عدم مالکیت<sup>۵</sup>: سلب مالکیت از یک پدیده.  
 عدم وقوع<sup>۶</sup>: اتفاق نیافتادن پدیده‌ای در حال یا گذشته.  
 عدم وقوع (آینده)<sup>۷</sup>: اتفاق نیافتادن پدیده‌ای در آینده.

خطوط پیوسته بین نقش‌ها در فضای مفهومی نشان می‌دهد که در نمونه مورد بررسی باند (۲۰۰۹) شاهدی برای نمود صوری مشترک بین دو نقش در زبان‌ها دیده شده است. به‌عنوان مثال در زبان المی<sup>۸</sup> تکواژ ti دو نقش نهی و عدم تساوی را بیان می‌کند. خطوط نقطه‌چین نشان می‌دهد که دو نقش با یک صورت یکسان بیان می‌شوند، اما شاهدی مبنی بر اینکه راهکارهای مستقلی برای هر کدام از دو نقش وجود داشته باشد دیده نشده است. به‌عنوان مثال در همان زبان المی عدم تساوی و عدم مالکیت با فعل ndʒɛ بیان می‌شوند اما سازه نفی مستقلی برای بیان عدم مالکیت وجود ندارد. باند (۲۰۰۹) نقشه معنایی زبان‌های هاپ<sup>۹</sup> و کوبکتا<sup>۱۰</sup> را در این فضای مفهومی ترسیم کرده است؛ در این نقشه‌ها فرضیه اتصال نقشه معنایی<sup>۱۱</sup> نیز برقرار است.

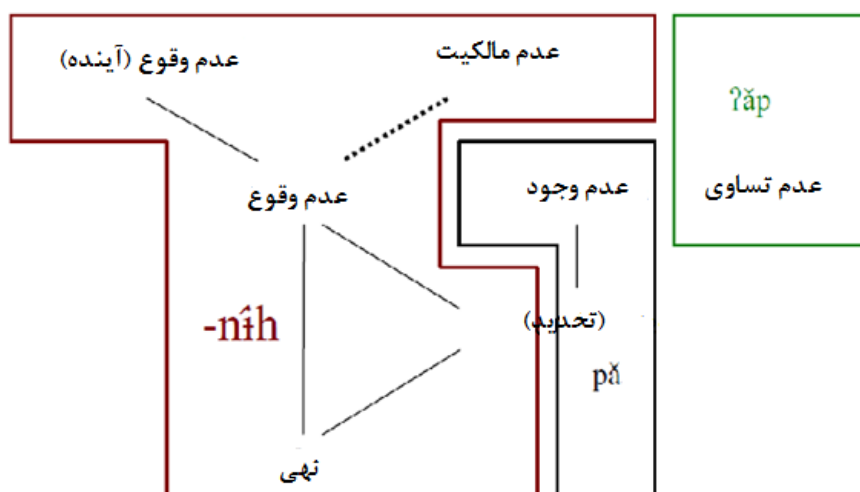
فرضیه اتصال نقشه معنایی: نقشه معنایی هر زبان در فضای مفهومی بخشی را تشکیل می‌دهد که متصل و پیوسته است (کرافت، ۲۰۰۳: ۱۳۴).

طبق این فرضیه تمام برش‌ها در فضای مفهومی بخشی متصل و پیوسته‌اند. در ادامه نقشه معنایی زبان هاپ برای مثال آورده شده است. در این زبان سه راهبرد برای بیان مقوله نفی وجود دارد: -nih, ʔãp, pã. پسوند نفی -nih در این زبان چندنقشی است و برای بیان نقش‌های عدم مالکیت، عدم وقوع (آینده)، عدم وقوع، نهی و تحدید به‌کار می‌رود. از طرف دیگر پیشوند نفی ʔãp یک نقشی است و تنها برای بیان نقش عدم تساوی به‌کار می‌رود. از این آنجایی که راهبرد صوری دیگری برای بیان نقش عدم تساوی به‌کار

1. Delimitation
2. Prohibition
3. Non- Equation
4. Non- Existence
5. Non- property
6. Non- Occurrence
7. Non- Occurrence (Anterior)
8. Eleme
9. Hup
10. Kubokota
11. Semantic Map Connectivity Hypothesis



نمی‌رود خطوط ارتباطی بین نقش عدم تساوی و نقش‌های مجاور آن در فضای مفهومی قطع شده است. شایان ذکر است که برای نقش تحدید هر دو صورت *pă* و *-nîh* به کار می‌روند. در تمام نقشه معنایی زبان هاپ و همچنین زیربخش‌های آن فرضیه اتصال نقشه معنایی برقرار است.



شکل ۳: نقشه معنایی مقوله نفی در زبان هاپ

این مدل فضای مفهومی را در این تحقیق نیز به کار بردیم تا برش معنایی زبان فارسی را مشخص کنیم.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

مهم‌ترین رده نفی در زبان فارسی که آقایی (۱۹۹۳) به آن اشاره کرده، نفی ساختوازی است. این نوع نفی برای بیان تمام نقش‌های نفی کاربرد دارد. در ادامه به مثال‌هایی از انواع نقش‌های مقوله نفی اشاره می‌کنیم:

تحدید و رد کردن: الف: فردا سینما می‌آی؟  
ب: نمیام کار دارم.  
نهی: (۹) دم پنجره نرو، سرما می‌خوری

عدم تساوی: (۱۰) من که احمق نیستم / مریم دوست سارا نیست.

عدم وجود: (۱۱) تو کابینت شکر نیست / اصلاً کتابی در کار نیست.

عدم مالکیت: (۱۲) من ماشین ندارم / این‌ها کتاب‌های من نیستند.

عدم وقوع: (۱۳) او تمام ماجرا را نگفت / آنها نامه را ننوشتند.

عدم وقوع (آینده): (۱۴) من هنوز از اینجا نرفته‌ام / هنوز نامه را ننوشته است / او هرگز این کار را نمی‌کند.

آقایی (۱۹۹۳: ۴۰-۴۵) تکواژ آزاد «نه» را یکی از الگوهای نفی معیار در زبان فارسی می‌داند. وی نظر دستوریانی چون فرشیدور (۱۳۴۸)، صادقی (۱۳۵۷)، خانلری (۱۳۶۵) که «نه» را قید در نظر گرفته‌اند رد

می‌کند و معتقد است کلماتی مانند «نه»، «بله»، «خیر»، «آری» قید نیستند، بلکه کلماتی هستند که خود معنای گزاره‌ای دارند و به جای جمله به کار می‌روند. آقای (۱۹۹۳: ۴۳) دو جمله زیر را معادل می‌داند:

(۱۵) خیال نکنید که من او را می‌شناسم.

(۱۶) نه خیال کنید که من او را می‌شناسم.

و یا در پاسخ سؤالات «نه» می‌تواند به جای جمله به کار رود و معنای گزاره‌ای کاملی را منتقل کند:

(۱۷) الف: غذا خوردید؟ ب: نه/ نه غذا نخوردیم/ غذا نخوردیم.

آقای (۱۹۹۳: ۴۴) معتقد است که این سه پاسخ معنای معادلی برای فارسی‌زبانان دارند. از نظر نقشی، «نه» و یا «خیر» در همه نقش‌ها به جز نهی کاربرد دارند، بعلاوه «نه» در هم‌پایه سازی انواع جملات کاربرد دارد. وقتی جملات با این تکواژ هم‌پایه می‌شوند، معنای منفی دارند، البته در این نوع کاربرد حتماً دو جمله هم‌پایه می‌شوند.

تحدید: (۱۸) الف- غذا می‌خوری؟ ب- نه/ خیر

(۱۹) نه گرسنه نه غذا می‌خورم. (گرسنه‌ام نیست، غذا هم نمی‌خورم.)

نهی: (۲۰) نه مهمونی برو، نه پشت سرشون حرف بزن. (مهمونی نرو، پشت سرشون هم حرف نزن.)

عدم تساوی: (۲۱) الف- آیا آقای محمودی فامیل رئیس است؟ ب- نه

(۲۲) این کار نه خوب است نه بد. (این کار خوب نیست، بد هم نیست.)

عدم وجود: (۲۳) الف- آیا در خانه شیرینی داریم؟ ب- نه

(۲۴) تو کابینت نه قند هست نه شکر.

عدم مالکیت: (۲۵) الف- آیا ماشین دارید؟ ب- نه

(۲۶) من نه ماشین دارم نه خونه.

عدم وقوع: (۲۷) دیروز کلاس تشکیل شد؟ ب- نه

(۲۸) من نه بیرون رفتم نه کاری کردم، فقط خوابیدم.

عدم وقوع (آینده): (۲۹) فردا جلسه برگزار می‌شود؟ ب- نه

(۳۰) هنوز نه نامه نوشتم نه تایپ کردم.

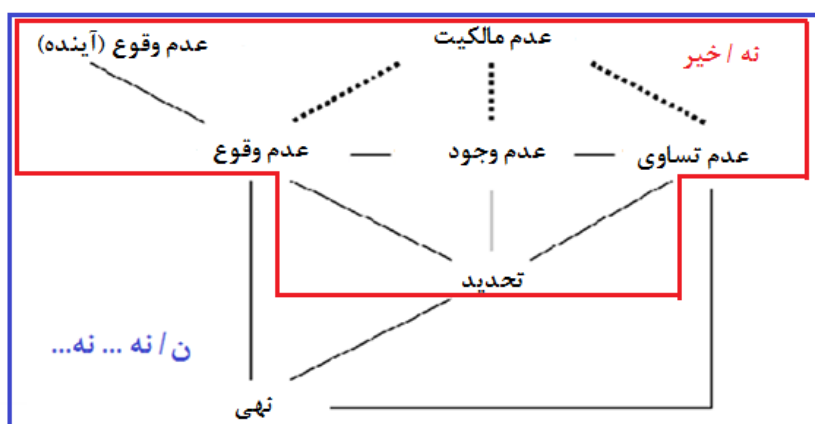
در واقع راهبرد تکواژ آزاد «نه» برای بیان تمام نقش‌ها به جز نقش نهی به کار می‌رود و ساختار «نه ... نه...» برای تمام نقش‌ها کاربرد دارد.

منصوری (۱۳۹۰) معتقد است زبان فارسی در موارد نادری از اسم منفی به عنوان صورتی از نفی معیار استفاده می‌کند. وی کاربرد این اسامی را وابسته به ویژگی‌های سبکی و کاربرد شناختی می‌داند، به‌عنوان مثال در جمله ۳۱ اسم منفی «عدم» نوعی کاربرد مؤدبانه برای خودداری از کاربرد مستقیم عنصر نفی است و باعث می‌شود نفی جمله کمی ملایم‌تر به نظر برسد:

(۳۱) پیشنهاد رئیس‌جمهور با عدم استقبال نمایندگان روبرو شد.

با بررسی دقیق‌تر مشخص می‌شود که اسامی نفی از قبیل «عدم» و «فاقد» نفی گزاره‌ای نیستند زیرا معنای جمله را منفی نکرده‌اند. بنابراین در این پژوهش این اسامی از راهبردهای نفی گزاره‌ای در نظر گرفته نشده‌اند.<sup>۱</sup>

شایان ذکر است که ساخت مقوله نفی در زبان فارسی با تغییرات ثانویه‌ای چون تغییرات آوایی و حذف پیشوند در مضارع التزامی همراه است که مدنظر این پژوهش نیست. حال با توجه به آنچه بیان شد، نقشه معنایی زبان فارسی را در فضای مفهومی معرفی شده ترسیم می‌کنیم:



شکل ۴: نقشه معنایی مقوله نفی در زبان فارسی

نقشه معنایی پیشنهادی نشان می‌دهد که زبان فارسی تمام فضای مفهومی را پوشش می‌دهد. در واقع پیشوند نفی ساختوازی «ن» و ساختار «نه ... نه ...» برای بیان تمام نقش‌های مقوله نفی کاربرد دارند، اما تکواژ آزاد «نه» برای نقش نهی به کار نمی‌رود. از طرفی نقش نهی با راهبرد نفی «نه / خیر» در بافت‌های مختلف به کار نمی‌رود. فضای مفهومی و نقشه معنایی ارائه شده در این پژوهش چند بعدی است و در نقشه معنایی پیشنهادی فرضیه اتصال نقشه معنایی برقرار است. همانطور که در بخش ۳ گفته شد خطوط پیوسته و منقطع بر اساس زبان‌های مورد بررسی باند (۲۰۰۹) تعیین شده‌اند و در برش معنایی زبان فارسی نیز تغییری نکرده‌اند. زیرا راهبردهای پیشوند نفی و ساختار همپایه نفی کل فضای مفهومی را پوشش می‌دهند و از این رو ارتباط بین نقش‌ها از بین نمی‌رود.

۱. به پیشنهاد داور محترم مجله تحلیل منصوری (۱۳۹۱) از نقشه معنایی حذف شد زیرا ایشان به درستی اظهار داشتند که می‌توان جمله را به صورت «تصویب لایحه پیشنهادی با عدم استقبال نمایندگان روبرو نشد» نیز به کار برد؛ بنابراین فعل جمله است که گزاره را منفی می‌کند. از این رو این نکته در مقاله و نقشه معنایی زبان فارسی اصلاح شد. در اینجا مراتب سیاس و قردادانی نویسندگان از پیشنهادها سازنده داور محترم ابراز می‌شود.

## نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه تاکنون گفته شد می‌توان دریافت که زبان فارسی امروزی از چهار راهبرد برای بیان مقوله نفی استفاده می‌کند: نفی ساختواژی «ن»، ساختار همپایه «نه ... نه ...»، تکواژ آزاد «نه» و یا «خیر»، اسامی نفی «فاقد/ عدم». راهبرد اول با توجه به آقایی (۱۹۹۳) راهبرد غالب در زبان فارسی است، بعلاوه تکواژ آزاد «نه» قید نیست، بلکه معنای گزاره‌ای دارد و به جای جمله هم به کار می‌رود؛ بنابراین می‌تواند برای بیان نقش‌های مختلف به کار رود. ساختار همپایه «نه... نه...» هم جملات زبان فارسی را در تمام نقش‌های مقوله نفی همپایه می‌کند، به طوری که اگر این جملات همپایه نشوند هر جمله به طور جداگانه با نفی ساختواژی به کار می‌رود. در گفتار و نوشتار رسمی نیز گاهی اسامی نفی «فاقد/ عدم» برای بیان نقش‌های عدم مالکیت و عدم وقوع به کار می‌روند. با توجه به این شواهد، نقشه معنایی زبان فارسی در فضای مفهومی پیشنهادی باند (۲۰۰۹) به شکل ۴ ترسیم شد. بر پایه نتایج، زبان فارسی تمام فضای مفهومی مقوله نفی را پوشش می‌دهد. نقشه معنایی پیشنهادی یک نقشه چند بعدی است که فرضیه اتصال نقشه معنایی را نقض نکرده است.

## منابع

- باطنی، محمد رضا (۱۳۴۸)، *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۴۷)، *دستور زبان فارسی*، تهران: انتشارات ستوده.
- شریعت، محمد جواد (۱۳۶۷)، *دستور زبان فارسی*، تهران: انتشارات اساطیر.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۱)، *پیشوند نفی در زبان فارسی*، نامه فرهنگستان، سال چهارم، شماره ۵، ۸۵-۹۶.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران (۱۳۳۰)، *دستور زبان فارسی*، جلد اول، تهران: انتشارات آوا.
- منصور، مهرزاد (۱۳۹۰)، *نفی در زبان فارسی از منظر رده‌شناسی زبانی*، بازیابی شده از آدرس <https://www.academia.edu/4095966/negation-pr-word>
- وزین‌پور، نادر (۱۳۵۶)، *دستور زبان فارسی*، تهران: انتشارات سپاهیان انقلاب.
- Aghaei, B. (1993), *Negation Patterns in Persian: A Typological Approach*, M.A. Dissertation, Allame Tabatabaie University.
- Bond, O. (2009), *Mapping Negation in Conceptual Space*, In Peter K. Austin, Oliver Bond, Monik Charette, David Nathan & Peter Sells (eds), *Proceeding of Conference on Language Documentation and Linguistic Theory 2*, 51-60, London: SOAS.
- Croft, W. (2003), *Typology and Universals (2<sup>nd</sup> Edition)*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Crowgey, J. (2012), *An a Prior: Typology of Standard Negation from HPSG Perspective*. In Stefan Muller (ed), *Proceeding of the 19th International Conference on Head-Driven Phrase Structure Grammar*, 107-122, Chungnam National University Daejeon: GSLI Publications.

- Dahl, O. (1979), Typology of Sentence Negation. *Linguistics*, 17, 79-106.
- Hageman, L. & Zanuttini R. (1991), Negative Heads and the Neg Criterion, In *Linguistic review* 8, 233-251, Berlin: Walter de Gruyter.
- Haspelmath, M. (2003), The Geometry of Grammatical Meaning: Semantic Maps and Cross-linguistics Comparision, In *New Psychology of language, Vol II: Cognitive and Functional Approaches to Language Structure*, Micheal Tomasello (ed), 211-242, Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Lyons, J. (1995), *Linguistics semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mahootian, Sh. (1997), *Persian*. London and New York: Rutledge.
- Miestamo, M. (2003), *Clausal Negation: A Typological Study*. PhD Dissertation, University of Helsinki.
- Miestamo, M. (2005), Standard Negation: the Negation of Declarative verbal Main Clauses in a Typological Perspective. In *Empirical Approaches to Language Typology* 31, Berlin: Mouton de Gruyter.
- Miestamo, M. (2006), On the Complexity of Standard Negation. In *A Man of Measure: Festschrift in Honour of Fred Karlsson on His 60th Birthday* [special supplement to *SKY journal of linguistics* 19], 345- 356, Turka: The Linguistic association of Finland.
- Miestamo, M. (2007), Negation: An Overview of Typological Research. *Language and Linguistic Compass*, 1/5, 552-570.
- Payne, J.R. (1985), Negation. In *Language Typology and Syntactic Description, Vol 1, Clause Structure*, Timpothy Shopen (ed), 197-242, Cambridge, Uk: Cambridge University Press.
- Zanuttini, R. (1996), On the Relevance of Tense for Sentential Negation. In A. Belletti & L. Rizzi (eds), *Parameters and Functional Heads: Essays in Comparative Syntax*, 181-207, New York: Oxford University Press.